

## جایگاه گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت روحانی

محسن احمدی<sup>۱</sup>، امیر چادله<sup>۲</sup>، فاطمه غلامی<sup>۳</sup>، سمیرا بیگ مرادی<sup>۴</sup>

### چکیده:

با رسیدن روحانی به قدرت، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که تا قبل از روی کار آمدن وی تنش های زیادی را سپری کرد، خود را نیازمند تنش زدایی و بهبود روابط باهمسایگان احساس کرد. از دیدگاه روحانی، تنها تنش زدایی می توانست منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تامین کند. تحقیق حاضر سعی دارد به بررسی گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی بپردازد. سوال اصلی این است که مهم ترین وجه گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی در چیست؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که تنش زدایی و تعامل با نظام بین الملل مهم ترین وجه گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی است. نوع روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است که سعی می شود با استفاده از نظریات گفتمان به تشریح موضوع پرداخته شود. به طور کلی، دولت روحانی با توجه به تاکید بر تنش زدایی و صلح تاکنون نقش مهم را در پیشبرد اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا نموده است. از دیدگاه دکتر روحانی، تنها تنش زدایی و صلح است که می تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تامین نماید. تاکید بر این دو مساله، باعث شده است تا در گفتمان سیاست خارجی دولت روحانی، تنش زدایی مهم ترین نقش را ایفا کند.

کلمات کلیدی: گفتمان، اعتدال، سیاست خارجی، روحانی

### مقدمه

در سیاست خارجی کشورها، منافع ملی کشورها مهم ترین نقش را ایفا می کند. با این حال، رویکردها و راههای دستیابی به منافع ملی کشورها متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به وجود متغیرها و عوامل مختلف، همواره رویکردهای مختلفی را در عرصه سیاست خارجی در جهت دستیابی به منافع ملی در پیش گرفته است. در دوره ریاست جمهوری روحانی نیز

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد علوم سیاسی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور واحد بین الملل قشم dr.63amir@gmail.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد علوم سیاسی

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان. emperor\_hi@yahoo.com

اصول و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای دستیابی به منافع ملی و افزایش قدرت در سطح منطقه ای و نظام بین الملل بوده است.

مواضع عملگراییانه روحانی در مورد موضوعات خارجی و داخلی برای رأی دهندگان ایرانی اطمینان بخش بود. مبارزه انتخاباتی روحانی در چند زمینه کلیدی از پلاتفرم رقابیش متمایز بود: تحلیل روشن او از وضعیت جاری در ایران؛ تبیین روشن و بی ابهام او از چالش های عمده فراروی جامعه و حکومت؛ و رویکرد صادقانه و صریح او در قبال مشکلات و راه حل‌های ممکن. بدین ترتیب روحانی توانست بخش‌های سرخورده جمعیت کشور را در خلال روزهای پایانی مبارزات انتخاباتی در راستای علاقه جدی به انتخابات و نهایتاً مشارکت در یک رأی گیری ملی بسیج نماید.

سیاست خارجی روحانی مبتنی بر نقدی اصولی، متین و خردمندانه از هدایت روابط خارجی در هشت سال پیش در دوره دولت قبلی بود. از سوی دیگر، روحانی همواره در تلاش بود تا وضعیت غیرقابل قبول امور را از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی کشور درمان کند. تغییراتی که او مطرح کرد نمایانگر درک واقع بینانه از نظم بین‌المللی معاصر و چالش‌های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود، و نیز آنچه که لازم است تا روابط ایران با دنیای خارج را به وضعیت به هنجار برگرداند.

روحانی همچنین خواستار گفتمان اعتدال شد. این رویکرد همچون رویکرد خاتمی در عرصه سیاست خارجی می‌خواهد تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به‌سوی گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم هدایت کند. اعتدال رویکردی مبتنی بر واقع گرایی، اعتماد به نفس، آرمانگرایی واقع‌بینانه و تعامل سازنده است. اقتضای واقع‌گرایی درک ماهیت، ساختار، سازوکارها و پویایی قدرت در نظام بین‌المللی و نیز ظرفیت بالقوه و محدودیت‌های نهادهای آن است. اعتدال در نگاه روحانی ترکیب باور عمیق به آرمانهای محبوب انقلاب اسلامی با ارزیابی عینی از ظرفیت‌های واقعی، توانایی‌ها و نیز محدودیت‌های ایران است. چنین نگاهی خواستار دوری عامدانه از اقدامات توهین آمیز، تحقیرکننده و یا خود بزرگ انگارانه است. این نگاه همچنین مشوق اعتماد به نفس مبتنی بر درک منابع مادی و معنوی ایران منجمله خرد جمعی شهروندان آن است. این نگاه به پاسخگویی، شفافیت و صداقت در برخورد با مردم ارزش می‌نهد و متضمن آمادگی برای اصلاح و بهبود سیاست‌های موجود است.

## گفتمان اعتدال

تجربه ۳۵ ساله جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده تحول و چرخه گفتمانی در سیاست خارجی آن است. به گونه ای که در پرتوی تحولات داخلی و خارجی گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های مختلفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالب و حاکم شده است. با حاکمیت هر یک از این گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌ها رفتار و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. اگرچه براساس بعضی از رویکردهای گفتمانی، عامل یا کارگزار انسانی خود یک موضعه گفتمانی است که در درون گفتمان تعریف می‌شود و در چهارچوب آن رفتار می‌کند، اما تحول گفتمانی در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که رؤسای جمهور و دولت نقش تعیین کننده ای در تدوین و تعریف گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا می کنند.

بر این اساس، با انتخاب حسن روحانی به عنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران، می توان طبق رویه پیشین، پیش بینی کرد که گفتمان و به تبع آن رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم متحول و دگرگون خواهد شد. با توجه به اینکه رئیس جمهور روحانی گفتمان دولت خود را گفتمان اعتدال تعیین کرده است، گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم نیز در چهارچوب گفتمان کلی اعتدال تکوین می یابد. از این رو، گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم را می توان گفتمان اعتدال یا اعتدال گرایی نامید که در قالب گفتمان کلان اسلام گرایی تعریف می شود؛ به گونه ای که رفتارها و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم نیز در قالب گفتمان اعتدال گرایی تکوین یافته و اجرا می شود. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۱).

به طور کلی اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف می شود. در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد می باشد. از این رو، گفتمان اعتدال گرایی را می توان پرهیز از گفتمان های افراطی و تفریطی سازش و ستیزش یا آرمان-گرایی توهمی و واقع گرایی انفعالی تعریف کرد. اما گفتمان اعتدال گرایی در معنای ایجابی و مثبت بر اساس مختصات، شاخص ها، دال متعالی و عناصر مقوم آن تعریف می گردد. دال مرکزی و متعالی گفتمان اعتدال گرایی، تعادل و توازن است که بر حسب این موارد تلخیص می شود: توازن بین آرمان و واقعیت یا آرمان گرایی و واقع گرایی؛ توازن بین انواع عقلانیت؛ توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی؛ توازن بین اهداف سیاست خارجی؛ توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی؛ توازن بین عناصر قدرت ملی؛ توازن بین اعمال قدرت و دیپلماسی؛ توازن بین حق و تکلیف؛ توازن بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت؛ توازن در ساختار سیاست خارجی؛ و توازن در توسعه روابط خارجی. بر مبنای دال مرکزی توازن در گفتمان اعتدال در سیاست خارجی، عناصر و دقایق آن به این صورت تعریف می گردد: عقل گرایی و خردورزی؛ واقع بینی و واقع گرایی؛ تکلیف گرایی معطوف به نتیجه؛ تحو لگرایی؛ تعامل گرایی سازنده و مؤثر؛ توسعه گرایی متوازن؛ امنیت طلبی؛ منزلت طلبی؛ صلاح طلبی مثبت؛ عدالت گرایی؛ و کمال گرایی (http://fasleetedal.ir)

## اصول و محورهای سیاست خارجی دولت یازدهم

به نظر می رسد سیاست خارجی دولت آقای روحانی به موازات گشایش التهابات اقتصادی در داخل و حل و فصل مسالمت آمیز مسائل فیما بین ایران و به اصطلاح جامعه بین الملل، از حالت واکنشی و موضعی بیرون و به کنشگری در تعاملات منطقه ای و جهانی روی خواهد آورد. لذا سیاست خارجی دولت یازدهم جنبه های واکنشی بسیاری در سال های ابتدایی خواهد داشت که عمدتاً به تنگناهای اقتصادی در داخل و بحرآن های منطقه ای و بین المللی (ز جمله پرونده هسته ای و بحران سوریه) برمی گردد. گذشت زمان و گشایش در مشکلات فراروی دولت یازدهم از جنبه های موضعی و موقتی سیاست خارجی آن کم خواهد کرد و هسته اصلی سیاست خارجی آن در شرایط عادی داخلی و منطقه ای و بین المللی خودنمایی خواهد کرد.

بر اساس حضور چندین ساله آقای روحانی در عرصه سیاسی کشور، به خصوص به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و همچنین کتب، آثار، صحبت‌ها و مواضع ایشان در طول مبارزات انتخاباتی، می‌توان کم و بیش اصول و مواضع سیاست خارجی دولت یازدهم را مورد بحث قرار داد. لازم به ذکر است که آقای روحانی در طول مبارزات انتخاباتی تمرکز گسترده‌ای بر سیاست خارجی کشور داشتند و با طرح موضوعات و انتقادات گسترده به سیاست خارجی دولت قبل، ریشه بخش مهمی از مشکلات کشور را در این عرصه واکاوی می‌نمودند. بر این اساس کم و بیش بخش مهمی از محورهای و اصول سیاست خارجی ایشان روشن است. به‌عنوان نمونه اصولاً یکی از شعارهای ایشان بحث تعامل سازنده با جهان بود، که همین موضوع نقش مهمی در پیشی گرفتن ایشان در مبارزات انتخاباتی داشت. ضمن اینکه ایشان در جریان مبارزات انتخاباتی و همچنین در کتابی که از ایشان چاپ شده است، موضعی در قبال موضوعاتی همچون توسعه کشور، بحث هسته‌ای، رابطه با کشورهای عربی، آمریکا، اروپا، چین و سایر مناطق در پیش گرفته‌اند؛ که این امر کمک فروانی به درک سیاست خارجی دولت یازدهم می‌کند. عصاره و چکیده سیاست خارجی آقای روحانی در بخش‌های مختلف کتاب ایشان تحت عنوان «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» مطرح شده است. ایشان در بخش‌های مختلف کتاب در ارتباط با سیاست خارجی بیان می‌دارند:

راهبرد کلان سیاست خارجی، تفاهم و اجتماع در سطح ملی و همکاری در روابط خارجی بر اساس اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت و رویکرد تمام‌سازنده می‌باشد. این اصول همواره مورد تایید و تاکید مقام معظم رهبری بوده است. راهبرد مزبور در راستای دستیابی به اهداف چشم‌انداز برنامه بیست‌ساله کشور، تقویت امنیت ملی، رفع تهدیدات خارجی و خنثی‌سازی تبلیغات در خصوص ترویج ایران‌هراسی در جهان و به ویژه منطقه، ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران در سطح منطقه و جامعه بین‌المللی و جهان در حال‌گذار تعریف می‌شود. در این راستا، سیاست خارجی سازوکار برای تولید آثار مطلوب در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. از جمله آثار مطلوب، کاهش تنش و خصومت‌ها، ساختن و تقویت ائتلاف‌ها و اتحادیه‌ها، اعتمادسازی، به حداکثر رسانی منافع مشترک و مدیریت مطلوب اختلافات طبیعی از راه کارهای شناخته شده است. دستگاه‌های دیپلماسی امروز دنیا جهت تحقق اهداف مذکور می‌باشند و یقیناً نهادهای سیاست خارجی حداکثر بهره‌برداری را از این راهکارها به عمل خواهند آورد (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲، ۱۴۵، ۱۴۴).

آقای روحانی در کتاب خود از تعامل سازنده با جهان، منافع مشترک، احترام به سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، خنثی‌سازی تهدیدات، بهبود چهره ایران، اعتمادسازی و در نهایت خدمت در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز ایران که همان رشد و پیشرفت کشور می‌باشد، صحبت نموده‌اند. این موارد به خوبی نشان می‌دهد که آقای روحانی هدف نهایی دولت در عرصه سیاست خارجی را ایجاد زمینه مساعد بین‌المللی برای تعامل سازنده و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی ارزیابی می‌کنند. ایشان در قسمت دیگری بیان می‌دارند: «فرض نخست در هرگونه تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی و یا الهام بخشی مورد نظر سند چشم‌انداز، الگوسازی داخلی است؛ تنها در صورت ایجاد یک الگوی کارآمد حکومتی می‌توان انتظار تأثیر گذار دراز مدت و مؤثر را داشت (روحانی، ۱۳۹۱: ۴۵).

آقای روحانی برای تعریف دقیق تر و معین تر اصطلاح تعامل سازنده، که عصاره و چکیده سیاست خارجی ایشان است، بیان می دارند: تعامل سازنده یک ایده انتزاعی نیست که قابلیت پذیرش هر تفسیری را داشته باشد؛ تعامل سازنده در ذهن تعریف و تدوین کنندگان آن در سند چشم انداز بیست ساله که مورد تایید رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته، به معنای رابطه دو یا چند جانبه سازنده است که منافع همه طرف ها را مدنظر قرار می دهد. به عبارت دیگر در حوزه سیاست خارجی، مفهوم تعامل سازنده بازی با حاصل جمع صفر نخواهد بود. سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده و مؤثر اقتضا می کند که روندهای جهانی مورد شناسایی قرار گیرند و حوزه هایی که کشور در آنها از مزیت نسبی برخوردار است تعیین شوند. این روش در سیاست خارجی مستلزم تبعیت از رویکردهای همکاری جویانه، مشارکت پذیر و مبتنی بر همزیستی و رقابت می باشد، تا بتوان به اهدافی دست یافت که بتواند منافع ملی کشور را در حوزه های زیر تامین نماید:

اعتلای منزلت ملی، منطقه ای و بین المللی ایران، کاهش و یا رفع تهدیدات، تامین امنیت ملی، گشودن بازارهای بسته و نیمه بسته و جذب سرمایه گذاران خارجی؛

تثبیت دستاوردهای حاصل شده در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی و بسط ظرفیت های لازم جهت نقش آفرینی و افزایش دستاوردها؛

تغییر رابطه ایران با نظام بین المللی و تلاش دستگاه دیپلماسی برای کاهش ابهامات، به ویژه در موضوع هسته ای، که می تواند موجب کاهش فشارها و هزینه های سیاسی اقتصادی سنگین برای کشور شود؛

تلاش برای کاهش تنش با کشورهای همسایه و افزایش همکاری های درون منطقه ای از طریق اتخاذ یک سیاست خارجی تعاملی؛

بهره گیری مناسب و به موقع از توانمندی های جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف، شامل حفظ و دفاع از امنیت ملی، اعتبار و اقتدار ملی، استحکام داخلی، توسعه سیاسی و بسط مشارکت ملی.

الهام بخشی الگووار؛

اتخاذ سیاست سلطه گریزی؛

ارتقاء ثن و آرمان های جامعه اسلامی ایرانی در حوزه بین الملل؛

طراحی امنیت ملی محور و منافع ملی بنیان در عرصه سیاست خارجی؛

محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی؛

مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛

سیاست خارجی تعامل جویانه و مبتنی بر همکاری متقابل. (<http://tehranpress.com/fa/news-details/9613/>).

همانطور که آشکار است، آقای روحانی زمانی که در مورد اصول و محورهای سیاست خارجی بحث می‌کنند، عملاً و آگاهانه اصول سیاست خارجی یک دولت توسعه‌گرا را مطرح می‌کنند. بر این اساس ایشان ضمن تفسیری مبتنی بر تعامل سازنده از اسناد بالادستی، همچون سند چشم‌انداز بیست‌ساله، هرگونه تفسیر دیگر در این زمینه را ناصواب ارزیابی می‌کنند.

### تلاش برای خروج از محور امنیتی شدن

امنیتی شدن فرایندی است که طی آن یک کشور بیش از آنکه به‌عنوان یک پدیده جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شناخته شود، عمدتاً به‌عنوان یک پدیده امنیتی معرفی می‌گردد. چنین کشوری در عرصه بین‌المللی به‌عنوان یک تهدید معرفی می‌شود و سایر کشورها تلاش می‌کنند با آن حداقل رابطه و تعامل را داشته باشند. بر این اساس کشوری که عمدتاً به‌عنوان پدیده ای امنیتی و تهدیدزت معرفی می‌شود، در تمامی زمینه‌ها به خصوص سیاسی و اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود و هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن به شدت افزایش می‌یابد. در این راستا، برخی بر این باورند که طی چند سال گذشته کشورهای غربی به رهبری آمریکا تلاش داشته‌اند تا ایران را به‌عنوان یک پدیده امنیتی معرفی کنند. آن‌ها به بهانه موفقیت‌های ایران در عرصه هسته‌ای و همچنین برخی اقدامات در عرصه سیاست خارجی، تلاش می‌کنند ایران را به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی معرفی کنند و با طرح این موضوع عملاً زمینه را برای تحریم‌های بیشتر و بالابردن هزینه‌های ایران فراهم سازند. در این بین برخی از اقدامات و سیاست‌های دولت قبلی نیز زمینه را برای موفقیت این طرح آماده نموده است.

در چنین فضایی آقای روحانی ضمن باور به تلاش غرب برای معرفی ایران به‌عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، یکی از اصول سیاست خارجی خود را تلاش همه‌جانبه برای از بین بردن این طرح معرفی نمودند. به باور آقای روحانی از طریق تعامل سازنده با جهان، اعتمادسازی، تنش‌زدایی، بهبود چهره و تصویر ایران و به خصوص از طریق کسب اعتبار، می‌توان ایران را نه به‌عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، بلکه به‌عنوان کشوری صالح طلب، اقتصادی و فرهنگی معرفی نمود. البته آقای روحانی در این زمینه انتقادات گسترده‌ای نسبت به دولت پیشین نیز دارند. ایشان در این زمینه بر این باور هستند که موفقیت‌های غرب در معرفی ایران به‌عنوان یک کشور تهدیدزا تا حد زیادی به دلیل سیاست‌ها و اقدامات دولت پیشین است. ایشان در همین زمینه با انتقاد از سیاست‌های قبلی که زمینه را برای موفقیت سیاست امنیتی کردن چهره ایران به وسیله آمریکا مهیا کرده است، بیان می‌دارند:

((یکی از مهم‌ترین نتایج این رفتارها، تشدید امنیتی شدن چهره جمهوری اسلامی ایران بوده است که بیش از همه رژیم صهیونیستی از این وضعیت سوء استفاده کرده است. بر اساس قطعنامه‌های صادره علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین و اصلی‌ترین تهدید صالح و امنیت بین‌الملل معرفی شده است. واقعیت این است که بهترین موقعیت برای آمریکا زمانی فراهم شد که دولت نهم با تغییر گفتمان و نادیده گرفتن ملاحظات شناخته‌شده سیاسی و بین‌المللی راهی را برگزید که به تنش و رویارویی نه تنها با آمریکا که با بخش قابل توجهی از کشورها از جمله همسایگان منتهی شد)). (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲، ۱۴۹).



## نگاه متفاوت به موضوع هسته‌ای

بدون تردید، مسئله هسته‌ای یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه سیاست خارجی کشور طی یک دهه گذشته بوده است. این موضوع در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی مطرح و در دوران آقای احمدی نژاد ادامه پیدا کرد. مسئله هسته‌ای ایران همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی و بدون تردید مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران می‌باشد؛ در نتیجه بسیار مهم است که موضع آقای روحانی در قبال این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

موضوع هسته‌ای به‌عنوان مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یک دهه گذشته، عرصه رقابت‌های گفتمان‌های مختلف در این حوزه بوده است. انتخابات ریاست جمهوری خردادماه ۱۳۹۲ منجر به تحول گفتمانی در موضوع هسته‌ای گردید. در این انتخابات حسن روحانی به‌عنوان حامل گفتمان اعتدال یا اعتدال‌گرایی توانست نظام معنای حاکم بر این گفتمان را عمومیت بخشیده و آن را هژمونیک نماید. از این‌رو، مقاله حاضر با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف، چارچوبی نظری فراهم آورده که به تبیین عناصر و دقایق گفتمان ناظر بر موضوع هسته‌ای در دولت یازدهم و کشمکش‌ها و رقابت‌های هژمونیک میان این گفتمان و گفتمان‌های رقیب می‌پردازد. تحلیل گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم نشان می‌دهد این گفتمان با دال مرکزی تعامل سازنده، به جهت برخورداری از عوامل سیاسی بیشتر، فعال‌تر و منسجم‌تر، به‌کارگیری فرایندهای طرد و برجسته‌سازی، میزان دسترسی بالا و اعتبار بیشتر نسبت به سایر گفتمان‌های رقیب، توانست هژمونیک شود.

در این راستا باید اشاره نمود که یکی از دلایل برنده شدن آقای روحانی در انتخابات، نگاه متفاوت ایشان به موضوع هسته‌ای بود. از نگاه آقای روحانی، موضوع هسته‌ای یک موضوع در کنار منافع دیگر کشور است؛ نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر. به عبارت دیگر، مسئله هسته‌ای در تعامل و کنار سایر منافع ملی ایران از جمله منافع اقتصادی و ضرورت‌های داخلی و خارجی باید لحاظ شود و طبیعتاً انتظار این است که موضوع هسته‌ای به گونه‌ای پیش برود که نه به یک پاشنه آشیل برای فشار خارجی بر ایران، بلکه به یک مزیت ملی تبدیل شود. بر این اساس روش‌های دیپلماتیک و تجربیات موجود در کشور می‌بایست به شکلی در این حوزه به کار رود که دولت بتواند با تعامل با جهان خارج، هم حق برخورداری از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز ایران را حفظ کند و هم بهانه‌ها برای فشار و تحریم را از دست رقبای بین‌المللی خارج نماید. بنابراین موضع آقای روحانی در قبال پرونده هسته‌ای را می‌توان دفاع از حق ایران در زمینه داشتن انرژی هسته‌ای، در کنار تعامل سازنده ایران با جهان در چارچوب شفافیت بیشتر و کامل‌تر ارزیابی نمود. آقای روحانی ضمن نقد سیاست خارجی کنونی در عرصه هسته‌ای که نتیجه اصلی آن افزایش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی است، خواهان سیاست خارجی معقول و منطقی و دیپلماسی فعال و پویا هستند. به باور ایشان ایران می‌تواند ضمن داشتن حق غنی‌سازی با دیپلماسی و شفافیت بیشتر، عملاً فشارها و تحریم‌ها را کاهش دهد. (رضایی ۱۳۹۳، ۶).

ایشان برای تأیید این موضوع به تجربه خود به‌عنوان دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند: «در پرونده هسته‌ای ما بین اروپا و آمریکا فاصله انداختیم. سفیر روسیه در اجلاس شورای حکام

در آذر ماه ۸۲ (نوامبر ۲۰۰۳) وقتی که سه کشور اروپایی با آمریکا در مشاجره بودند، گفته بود که در دهه های اخیر چنین منظره ای را ندیده بودم که در یک اجلاس بین المللی رسمی سه کشور مهم اروپایی در یک سو آمریکا در طرف دیگر باشد». آقای روحانی در همین زمینه می افزاید: «باید بتوانیم اجماع جهانی قدرت های بزرگ علیه ایران را بشکنیم و آن فاصله های لازم را بین آنها به وجود آوریم و فضای تنفس ایجاد کرده و گام به گام با تحریم های یکجانبه و تحریم های بین المللی مقابله کنیم». به گفته آقای روحانی، برنامه وی بعد از اقتصاد و معیشت مردم، «اصلاح روابط خارجی با دنیا است و این که ایران نباید فکر کند در دنیا دوست و دشمن های دائمی وجود دارد. اصل فناوری هسته ای جز برنامه های توسعه کشوری ما بوده و در چارچوب مقررات بین المللی صورت گرفته است و تنها بخشی که کشور را دچار مشکل کرد بخش غنی سازی بود که آن هم به دلیل بهانه های غربی ها و آمریکایی ها صورت گرفت». آقای روحانی بر این باورند که می شود این بهانه گیری را از دست کشورهای غربی با عقلانیت و تدبیر خارج کرد. (رضایی ۱۳۹۳، ۶۷).

### تحلیل و ارزیابی گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم

گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم گفتمان اعتدال است. با توجه به معنا و مفهوم اعتدال، دال متعالی و مرکزی گفتمان اعتدال در سیاست خارجی توازن و تعادل می باشد. بر این اساس، تعادل و توازن بین ابعاد و وجوه مختلف سیاست خارجی اهمیت و ضرورت می یابد. اما بی تردید یکی از مهمترین نقاط و کانون های تعادل در سیاست خارجی در گفتمان اعتدال، توازن بین واقع گرایی و آرمان گرایی یا به بیان دیگر واقع بینی و آرمان خواهی است.

معرفی دکتر محمدجواد ظریف به عنوان وزیر خارجه پیشنهادی رئیس جمهور جدید به عنوان نشانه ای از تلاش رییس جمهور برای تحقق اهداف طرح شده اش در دوران انتخابات و تنش زدایی در عرصه نظام بین الملل و نیز فراهم ساختن زمینه های لازم برای نقش آفرینی موثرتر ایران در منطقه و جهان ارزیابی شده است. وزیر پیشنهادی امور خارجه، ضمن برشمردن برنامه های خود جهت تصدی این وزارتخانه، تاکید کرد جمهوری اسلامی ایران امروز در مرحله حساس و خطیری قرار دارد که این مسئله وظیفه وزارت خارجه را در قبول مسئولیت بسیار سنگین می کند. محمد جواد ظریف، با تاکید بر پرهیز از اعمال سیاست سلیقه ای در سیاست خارجی، یادآور شد "در مسئله سیاست خارجی ایران باید همواره موضوع رسالت جهانی انقلاب اسلامی مدنظر قرار گیرد. وی اضافه کرد "در سیاست خارجی باید از تندروی خودداری کرد چرا که تندروی نشانه ضعف و ترس است. این دو نظر؛ گواه پایبندی وزیر خارجه پیشنهادی دولت تدبیر و امید به گفتمان اعتدال و خرد در روابط بین الملل است. مضافاً دکتر ظریف به نکته ای مهم اشارت داشته که گویای ارتباط و هماهنگی عناصر داخلی سیاست خارجی و داخلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. برای نمونه؛ آقای ظریف در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت که "در تمام مراحل کاری ام نظرات مقام معظم رهبری را عملیاتی کردم، حتی اگر نظرم مخالف با نظر آقا بوده است، همچنین با هرکسی در خارج از کشور در سطح سیاست خارجی ارتباط داشتیم، اجازه داشت." (<http://riirpolitics.com>).



منطق دولت ملت جمهوری اسلامی ایران مستلزم واقع گرایی و واقع بینی و منطق انقلاب اسلامی ایجاب کننده آرمان گرایی در سیاست خارجی است که باید بین آنها توازن برقرار گردد. از این رو، مهمترین شاخص گفتمان اعتدال در سیاست خارجی را می توان تعادل و توازن بین این دو عنصر اساسی تلقی و تعریف کرد. به گونه ای که رئیس جمهور منتخب در نخستین اظهارات و سخنان خود در تبیین گفتمان اعتدال به طور عام و سیاست خارجی به طور خاص به این شاخص و ویژگی تصریح می کند: "اعتدال بدون... آرمان گرایی در کنار واقع گرایی... امکان پذیر نیست". در جای دیگر در توضیح گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می گوید: "در گفتمان اعتدال در سیاست خارجی، واقع بینی یک اصل است، اما با توجه به ارزش ها و آرمان های جمهوری اسلامی ایران؛ و باید اعتدال بین واقع بینی و آرمان خواهی، توازن لازم را برقرار کند". در این نوشتار تلاش می شود تا این ویژگی اساسی گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت آینده تدوین و تبیین گردد. (<http://hamshahrionline.ir>)

### 1- چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تجربه ۳۵ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده تحول و چرخه گفتمانی در سیاست خارجی آن است. به گونه ای که در پرتوی تحولات داخلی و خارجی گفتمان ها و خرده گفتمان های مختلفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالب و حاکم شده است. در یک تقسیم بندی کلی می توان ادعا کرد که دو ابرگفتمان ملی گرایی لیبرال و اسلام گرایی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی به منزلت هژمونیک نسبی رسیده اند. گفتمان ملی گرایی لیبرال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی عمری کوتاه داشت و تنها تا خردادماه ۱۳۶۰ استمرار یافت. آن هم در یک معارضه گفتمانی نفس گیر با گفتمان رقیب یعنی اسلام گرایی که حاملان و فائلان آن مکتبی های اسلام گرا بودند؛ اما گفتمان اسلام گرایی قوام و دوام بیشتری یافت و از سال ۱۳۶۰ تا به امروز در هیأت و هیبت های مختلفی در سیاست خارجی ایران تداوم داشته است. (<http://hamshahrionline.ir>)

گفتمان اسلام گرایی در قالب خرده گفتمان های پنجگانه، آرمان گرایی انقلابی، مصلحت گرایی، واقع گرایی یا عمل گرایی، صلح گرایی و اصول گرایی تعین و تجلی یافته است. هر یک از این خرده گفتمان ها در عین اشتراک در اصول و احکام بنیادی، در گزاره های فرعی و اشتقاقی باهم تفاوت و تمایز دارند. از این رو همگی آنها در یک پیوستار قرار می گیرند که در یک سر آن آرمان گرایی اسلامی و در سر دیگر آن واقع گرایی اسلامی قرار دارد. در دوره های مختلف حیات جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی کشور در بین این دو حد گفتمانی در نوسان بوده است. آرمان گرایی انقلابی گفتمان معارض ملی گرایی لیبرال بود که تا اواسط سال ۱۳۶۳ بنابه اقتضای فضای انقلابی و جنگ تحمیلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به منزلت هژمونیک نسبی رسید. خرده گفتمان مصلحت گرایی اسلامی از اواسط دوره دفاع مقدس در سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی در سیاست خارجی ایران ظهور کرد. پایان جنگ تحمیلی و اقتضانات بازسازی اقتصادی و سازندگی به غلبه خرده گفتمان واقع گرایی اسلامی در سیاست خارجی دولت سازندگی انجامید. اولویت یافتن توسعه سیاسی و اصلاح طلبی در دوره اصلاحات به شکل گیری و حاکمیت خرده گفتمان صلح گرایی در سیاست خارجی ایران منجر شد. سرانجام با تکوین گفتمان اصول گرایی در عرصه سیاسی ایران، خرده گفتمان اصول گرایی عدالت محور بر سیاست خارجی دولت های نهم و دهم حاکم گشت. (سایت حوزه ۱۳۹۴/۱/۱۰).

این مرور اجمالی حاکی از آن است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یک چرخه بسته گفتمانی بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی دوران داشته است. به گونه‌ای که از آرمان‌گرایی انقلابی، مبتنی بر منطق انقلاب اسلامی، که اولویت و ارجحیت به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی می‌دهد، به مصلحت‌گرایی که در آن مصالح اسلامی و ملی اولویت و اهمیت بیشتری می‌یابد، منتقل شد؛ سپس واقع‌گرایی اسلامی، بر پایه منطق دولت ملت ایران، که بیش از آرمان‌ها و ارزش‌های فراملی و اسلامی بر منافع ملی استوار است، جایگزین مصلحت‌گرایی می‌شود. خرده‌گفتمان صلح‌گرایی در دوران اصلاحات آرمان‌گرایی از نوع دیگر است که کمتر بر عنصر قدرت در سیاست خارجی تکیه کرده و متضمن گونه‌ای از خوش‌بینی در سیاست بین‌الملل است. به طوری که این خرده‌گفتمان که بر گفت‌وگوی تمدن‌ها، تنش‌زدایی، اعتمادسازی و صلح‌طلبی مبتنی یافته است، به مکتب آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل نزدیک می‌شود. سرانجام گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم، بازگشت به آرمان‌گرایی انقلابی در اوایل انقلاب است که در آن آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی در عرصه سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل نمایان و برجسته است. به گونه‌ای که منطق انقلاب اسلامی بر منطق دولت جمهوری اسلامی غلبه دارد.

## ۲- گفتمان واقع‌گرایی آرمان‌خواه

چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که هیچ‌یک از دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی محض به تنهایی کفایت نمی‌کند و قرین موفقیت نیست؛ زیرا آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی لازم و ملزوم یکدیگرند و دو جزء لاینفک گفتمان واحد «واقع‌گرایی آرمان‌خواه» هستند. به گونه‌ای که به لحاظ نظری و عملی قابل تجزیه و تفکیک نیستند. از این‌رو، سیاست خارجی در عمل در صورتی که این دو جزء گفتمانی را باهم به اجرا بگذارد، موفق و مطلوب خواهد بود؛ چون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو مبتنی بر دین مبین اسلام است که دین آرمان‌گرا و درعین‌حال واقع‌بین است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی است که گفتمان‌ش، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تصریح می‌کند، «آرمان‌گرایی واقع‌نگر» است که گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در چارچوب آن تعریف و تعقیب شود. بر این اساس در سیاست خارجی باید در عین توجه و تمرکز بر آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، واقعیت‌های داخلی و بین‌المللی را نیز مدنظر قرار داد. به گونه‌ای که آرمان‌ها و ارزش‌ها باعث ندیدن واقعیت‌ها و واقعیت‌ها نیز موجب غفلت از آرمان‌ها نگردد. ( <http://hamshahrionline.ir> )

## ۳- دقایق گفتمان واقع‌گرایی آرمان‌خواه

عناصر و دقایق گفتمان واقع‌گرایی آرمان‌خواه را می‌توان براساس دو جزء این گفتمان یعنی آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تنظیم و تبیین کرد. به طوری که مجموع عناصر و دقایق آرمان‌گرایی و واقع‌بینی تشکیل‌دهنده دقایق گفتمان واقع‌گرایی آرمان‌خواه خواهند بود. از این‌رو، این دقایق در یک زنجیره هم‌ارزی قوام‌بخش و هویت‌دهنده این گفتمان بوده و قابل تفکیک و تجزیه نیستند.

## دقایق آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی به معنای داشتن نظم مطلوب برای انسان و جهان بشری، ترسیم، تعقیب و تأمین و تحقق آن در عالم واقع است. آرمان‌گرایی در سیاست خارجی مستلزم و متضمن تعریف نظم و وضع مطلوب جمهوری اسلامی در چارچوب دین مبین اسلام، انقلاب اسلامی، تعیین و تحقق‌یافته در پهنه جغرافیایی ایران است. از این‌رو هر دو دسته از آرمان‌های اسلامی و ایرانی چراغ راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید باشد. البته چگونگی عزیمت از وضع و نظم موجود برای تحقق وضع و نظم مطلوب مستلزم واقع‌بینی است که در جزء دیگر گفتن آرمان‌گرایی واقع‌بین ضرورت می‌یابد. بر این اساس مهم‌ترین عناصر و دقایق آرمان‌گرایی را به این صورت می‌توان صورت‌بندی کرد: جهان‌گرایی اسلامی، سلطه‌ستیزی، حق‌طلبی و عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و عزت‌طلبی. جهان‌گرایی اسلامی متضمن سه عنصر گفتمانی و اقدام عملی در سیاست خارجی است. نخست تلاش برای برقراری جامعه جهانی اسلامی به‌عنوان یک آرمان راهبردی سیاست خارجی است. ماهیت راهبردی این آرمان بیانگر آن است که براساس واقعیت‌های موجود داخلی و بین‌المللی تعقیب می‌شود و در درازمدت تحقق می‌یابد. دوم شالوده‌شکنی نظم بین‌المللی مستقر از طریق غیرطبیعی کردن و مشروعیت‌زدایی از آن جهت استقرار نظم جهانی مطلوب؛ سوم، ترسیم و تبیین نظم جهانی مطلوب جمهوری اسلامی بر مبنای رسالت اسلامی، انقلابی و ایرانی آن. (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۴).

سلطه‌ستیزی دومین عنصر و دقیقه آرمان‌گرایی است که برخاسته از آرمان‌های اسلامی و ایرانی است. سلطه‌ستیزی دربرگیرنده نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استعمار و استکبارستیزی و استضعاف‌زدایی در عرصه بین‌المللی است. برآیند این سه مؤلفه گفتمانی در سیاست خارجی، رهایی‌بخشی است. نمود عینی رهایی‌بخشی در سیاست خارجی آزادی عمل و رهایی از ساختارهای سلطه و سرکوب در نظام بین‌الملل موجود است. سومین دقیقه آرمان‌گرایی، حق‌طلبی و عدالت‌خواهی است که یکی از مهم‌ترین آرمان‌های اسلامی و تاریخی ایرانیان است. حق‌طلبی و عدالت‌خواهی خود متضمن و مستلزم ظلم‌ستیزی است که از جمله مطالبات تاریخی ایرانیان است. استقلال‌طلبی چهارمین عنصر و دقیقه آرمان‌گرایی است که بر حسب آزادی عمل و حفظ هویت و منزلت ملی تعریف می‌شود. روابط ناعادلانه قدرت‌های بزرگ استعماری با ایران قبل از انقلاب اسلامی و دخالت‌های فراگیر آنان در امور کشور از یک‌سو و ارزش کانونی عدالت در دین اسلام، عدالت‌طلبی و استقلال‌خواهی را در بطن و متن گفتن انقلاب اسلامی قرار می‌دهد. به گونه‌ای که این دو ارزش از اهداف راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند. (سایت علوم سیاسی ۱۳۹۳/۲/۲۵).

صلح‌طلبی پنجمین دقیقه آرمان‌گرایی است. در چارچوب گفتن آرمان‌گرایی اسلامی، صلح فراتر از صلح سلبی و حداقلی به معنای نبود جنگ و خشونت عریان در صحنه بین‌المللی تعریف و تعقیب می‌شود. به گونه‌ای که علاوه بر آن شامل صلح ایجابی و مثبت به معنای نفی و الغای خشونت ساختاری پنهان در نظام بین‌الملل نیز می‌شود که بسیار فراتر از ریشه‌کنی جنگ متعارف در روابط بین‌الملل می‌رود. ششمین دقیقه آرمان‌گرایی، به مثابه برآیند و عصاره پنج دقیقه پیش گفته، عزت‌طلبی است. عزت نفس که در ادبیات روابط بین‌الملل از آن به شرف و افتخار نیز یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های سیاست خارجی است.

از این رو حفظ شرف و عزت ملی می‌تواند و باید یکی از آرمان‌ها و اهداف سیاست خارجی باشد که بر پایه واقع‌نگری پی‌گیری و محقق می‌شود.

### دقایق واقع‌بینی/واقع‌گرایی

واقع‌بینی/واقع‌گرایی به مثابه دومین جزء گفتمان واقع‌گرایی آرمان خواه نیز دربرگیرنده چهار عنصر و دقیقه مصلحت‌گرایی، امنیت‌طلبی و اقتدارافزایی، خردگرایی و حزم‌اندیشی و مشکل‌گشایی است. مصلحت‌گرایی به معنای تصمیم‌گیری و اقدام براساس مصالح اسلامی و منافع ملی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی است. به گونه‌ای که مصلحت اسلامی و منفعت ملی دو روی یک سکه بوده و در طول هم تعریف و تعقیب می‌شوند. البته اولویت‌بندی این دو دسته از مصالح و منافع خود یکی از الزامات واقع‌بینی است که در چارچوب خردگرایی تحقق می‌یابد. مصلحت‌گرایی در سیاست خارجی تعیین‌بخش عنصر دیگری در گفتمان واقع‌گرایی است که به صورت امنیت‌طلبی و اقتدارافزایی تعریف و تحقق می‌یابد. تأمین امنیت پیش‌شرط تحقق هر آرمان و ارزشی در سیاست خارجی است. از این رو حفظ موجودیت و بقای کشور بر هر ارزش و مصلحت دیگری اولویت و اهمیت دارد. برای بقا و امنیت ملی نیز کسب قدرت و اقتدار ملی اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم و ضروری است. سومین عنصر و دقیقه واقع‌بینی، عقل‌گرایی در سیاست خارجی است. شاید بتوان ادعا کرد که عقل‌گرایی و عقلانیت عنصر کانونی واقع‌بینی است؛ چون کلیه آرمان‌ها و عناصر دیگر آن بر پایه عقلانیت استوار بوده و به وسیله آن تحقق می‌یابد. عقل شامل هر دو نوع عقل نظری و عقل عملی می‌شود که معطوف به آرمان و ابزار است. عقل نظری به معنای شناخت واقعیت متضمن موقعیت‌شناسی، زمان‌شناسی و فرصت‌شناسی است. (سایت پلیتیک ۱۳۹۳/۱۱/۲۶).

موقعیت‌شناسی خود دربرگیرنده شناخت مقدرات و محظورات ملی از یک سو و شناخت نظام بین‌الملل و محیط خارجی از سوی دیگر است. عقل عملی به معنای شناخت بایدها و نبایدهای رفتاری نیز متضمن اخلاق‌گرایی، قانون‌گرایی و نهادگرایی در روابط بین‌الملل است. به طوری که در سیاست خارجی باید ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و نهادهای تکوین‌دهنده و تنظیم‌کننده روابط بین‌الملل را شناخت و بر پایه شناخت این واقعیت‌ها آرمان‌ها را پی‌گیری کرد؛ چون ندیدن این بایدها و نبایدهای رفتاری به معنای نبودن آنها نیست. (همانجا).

واقع‌بینی همچنین دارای عنصر و دقیقه حزم‌اندیشی و مشکل‌گشایی نیز هست که خود شرط عقل است. حزم و احتیاط در سیاست خارجی یک ضرورت است؛ چون سیاست خارجی با حیات و ممت کشور ارتباط دارد و جای آزمون و خطا نیست. به طوری که یک تصمیم و اقدام غیرعقلانی مبنی بر بی‌احتیاطی، همان‌گونه که تاریخ گواهی می‌دهد، می‌تواند موجودیت یک کشور را به خطر اندازد. بر این اساس، تلاش برای حل مسائل و معضلات سیاست خارجی که تحقق اهداف و آرمان‌های کشور و ملت را با مانع مواجه می‌سازد یک ضرورت و اولویت سیاست خارجی است. (سایت پلیتیک ۱۳۹۳/۱۱/۲۶).

دقایق گفتمان واقع‌گرایی آرمان خواه در سه اصل عزت، حکمت و مصلحت خلاصه می‌شود. موفقیت در سیاست خارجی مستلزم حفظ توازن، تعادل و تناسب بین دقایق آرمانی و واقع‌بینانه گفتمان واقع‌گرایی آرمان خواه در قالب سه اصل عزت، حکمت و

مصلحت است. در دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توازن و تعادل بین این عناصر و اصول به خوبی برقرار نشده است. به طوری که در دوره‌های مختلف بر بعضی از این عناصر و اصول به قیمت نادیده گرفتن عناصر و اصول دیگر تأکید و تمرکز شده است. تجربه تاریخی مبتنی بر چرخه گفتمانی بیانگر آن است که در دولت یازدهم عنصر واقع‌بینی در سیاست خارجی ایران تقویت شده و نسبت به گذشته جایگاه بالاتری خواهد یافت. مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی دولت یازدهم برقراری توازن، تعادل و تناسب بین عناصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تعیین یافته در سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است.

### نتیجه‌گیری:

دکتر روحانی در گفتمان خود اهمیت زیادی برای تنش‌زدایی قائل است. در ترسیم کارنامه رولت روحانی به طور خلاصه باید گفت سیاست خارجی کشور طی نزدیک به ۲ سال اخیر از وضعیتی بحرانی خارج شده و گام در مسیری با افق‌های روشن گذاشته است. به طوری که در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران را می‌توان از مهمترین کانون‌های دیپلماسی و مقصد مورد نظر بسیاری از واحدهای نظام بین‌الملل برای گسترش روابط در زمینه‌های گوناگون دانست. در این پیوند، بیان چند نکته می‌تواند تصویری گویاتر از وضعیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی ۲ سال گذشته به دست دهد. حل‌وفصل اختلاف‌های هسته‌یی بین ایران و غرب مهمترین دستورکار سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر بوده است؛ اختلافاتی که به مدت یک دهه روز به روز متراکم‌تر شد و به شکل کلافی سردرگم، روابط خارجی ایران را به فضایی مبهم و غیرعقلایی کشاند. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، شفاف‌سازی در مورد فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌یی جایگزین موضع‌گیری‌های حساسیت‌برانگیز شد و به همین شکل منطقی همه فهم و منطبق بر قواعد بین‌المللی جای ادبیات چالش‌برانگیز قبلی را گرفت. طی ۲ سال گذشته رفتار هوشمندانه‌ی ایران در جریان گفت‌وگوهای هسته‌یی، در عمل به خلع سلاح جبهه‌ی ضدایرانی و در نهایت سرفروآوردن قدرت‌های جهانی در برابر حقوق مسلم ایران انجامید.

سیاست خارجی دولت یازدهم تحولی عمده در روابط ایران و غرب پدید آورد. یکی از مهمترین مولفه‌های این دگرگونی گشایش باب گفت‌وگوی مستقیم با مقام‌ها آمریکایی بر سر پرونده‌ی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌یی بود. این تحول سبب شد پس از دهه‌ها، ۲ کشور بتوانند با عبور از انبوهی از اختلاف‌ها به نقطه‌ی مشترک و منافع‌ی همگون در مذاکرات هسته‌یی دست یابند و به عبارتی الگویی عقلانی در فرایند رقابت در عرصه‌های گوناگون ایجاد کنند. در این میان، فضا برای پایان یک دهه هم‌آوردی بی‌نتیجه بین تهران و پایتخت‌های اروپایی نیز فراهم شده است. در حالی که کشورهای اروپایی در قالب اتحادیه‌ی اروپا بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی ایران تا سال‌های میانی دهه‌ی ۸۰ به شمار می‌آمدند، هم‌زمان با افزایش اختلاف‌های هسته‌یی از ایران فاصله گرفتند و شانه‌به‌شانه‌ی آمریکا در برابر تهران قرار گرفتند. اکنون در فضای پساتوافق می‌توان شاهد چرخشی ۱۸۰ درجه‌یی در سیاست کشورهای اروپایی بود به طوری که دولت‌ها و شرکت‌های اروپایی وارد رقابتی تنگاتنگ برای بازیابی جایگاه پیشین خود در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران شده‌اند.



### منابع:

- دهقانی فیروزآبادی، جلال الدین (۱۳۹۳)، «گفتن اعتدال گرایبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱۰.
- رضایی، علیرضا و قاسم ترابی (۱۳۹۲)، سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، شماره ۱۵.
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم.